

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاص شیعه

استاد: حجت الاسلام و المسلمین دکتر فرمانیان

آموزشیار: حجت الاسلام و المسلمین رضایی

مقدمه

از جمله مصادیق شرک و کفر در نظر وهابیت، ساختن بناء و گنبد و بارگاه روی قبور می‌باشد. در این درس به تبیین ادله وهابيون در تحریم بنای بر قبور و اشکالات وارد بر آن پرداخته خواهد شد.

شبهات وهابیت

بناء بر قبور

از جمله موضوعات مورد اختلاف بین مسلمانان و وهابیان موضوع بنا و ساختن گنبد، بارگاه و ضریح بر قبور است. وهابیان ساختن بنا بر قبر و تعمیر و گچکاری روی آن و ساختن گنبد و بارگاه بر آن را حرام و تخریب آن را واجب می‌دانند و اصولاً چنین عملی را مستلزم شرک و کفر می‌پندارند. ابن تیمیه معتقد است که مشاهدی که بر قبور انبیا و صالحان از عامه و اهل بیت بنا شده است، همه از بدعت‌های حرامی است که در دین اسلام وارد شده است.^۱ وی همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «شیعه مشاهدی را که بر قبور ساخته‌اند، تعظیم می‌کنند، شبیه مشرکان در آن اعتکاف می‌کنند، برای آنها حج انجام می‌دهند همان گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می‌دهند. اعضای استفتای دائمی وهابیان نیز می‌نویسند: «بنای بر قبور بدعت منکر است که در آن غلو در تعظیم صاحب قبر و راهی به سوی شرک است. و لذا بر ولی امر مسلمین یا نایب اوست که امر به تخریب بناهایی کند که روی قبور ساخته شده و آنها را با زمین یکسان کند تا با این بدعت عملاً مقابله شده و راه شرک بسته شود.»^۲

SCO۱: ۵:۲۶

ادله وهابیان در تحریم بنای بر قبور

وهابیان بر اثبات حرمت بنای بر قبور به سه دلیل تمسک کرده‌اند: ۱. اجماع مسلمانان؛ ۲. حدیث پیامبر اکرم: لعن الله اليهود و النصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد؛ ۳. روایت معروف به ابوالهیاج. در ادامه به بیان این ادله و نقد آنها خواهیم پرداخت:

دلیل ۱. اجماع بر حرمت بنای بر قبور

در استفتایی که علمای وهابی از علمای مدینه درباره بنای بر قبور کردند، در پاسخ چنین آمده است: «ساختن و بنای بر قبرها به اجماع مسلمین حرام است و در این زمینه احادیث صحیح وارد شده و لذا بسیاری از دانشمندان به وجوب تخریب آن فتوی داده‌اند...»^۳

دلیل اجماع در این رابطه کاملاً بی اساس است. بلکه می‌توان مدعی شد که ساختن مقابر به اجماع و اتفاق همه مسلمانان جایز است و پیروان همه مذاهب در تمام اعصار بنا کردن ساختمان بر قبر را بی‌اشکال دانسته‌اند. به عبارت دیگر سکوت علمای مسلمان بر سیره مسلمانان خود دلیلی بر عدم حرمت آن است (اجماع سکوتی). حتی خود وهابی‌ها نیز بر سیره عملی مسلمانان در این مسئله اعتراف دارند. صنعانی از وهابیان و سلفی‌گرایان قرن دوازده به

۱. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۲، ص ۴۳۵-۴۳۷.

۲. احمد بن عبدالرزاق، اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء، جده: دارالمؤید، فتوی ۷۲۱۰.

۳. سید محسن امین، تاریخچه، نقد و بررسی عقاید و اعمال وهابی‌ها، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، تهران: امیرکبیر، ص ۳۳۸.

وجود سیره عملی بر جواز بنای بر قبور اعتراف دارد: «هر گاه سؤال شود که در تمام شهرها و کشورهای اسلامی اعم از شرق و غرب، مقابر و مشاهدی دیده می‌شود، ... با این حال هیچ زمانی احدی از علما اعتراضی نکرده باشد؛ بلکه عقل نمی‌پذیرد که عملی این اندازه قبیح و زشت باشد و علما و دانشمندان طی سالها از بیان زشتی و قباح آن ساکت باشند.»^۱ وی اصل سخن سؤال کننده را می‌پذیرد؛ ولی توصیه می‌کند که سخن گذشتگان را ترک گویند و با انصاف به بررسی ادله بپردازند؛ بنابراین دلیل اجماع بی‌اساس است و نمی‌توان به آن برای اثبات حرمت بنای بر قبور تمسک کرد.

دلیل ۲: روایت «لعن الله اليهود و النصارى اتخذوا قبور انبيائهم مسجداً»^۲

وهابیت با تکیه بر این روایت ساختن مسجد بر قبور انبیا و اولیا را حرام و مستلزم لعن رسول خدا دانسته‌اند.^۳ با این حال پیش از نتیجه‌گیری باید توجه داشت که «اتخاذ مسجد» در روایت مذکور می‌تواند به معنای قبله قرار دادن قبر یا ساختن مسجد بر قبر باشد. به عبارت دیگر ممکن است یهود و نصاری به این دلیل لعن شده‌اند که قبور پیامبرانشان را سجده‌گاه و قبله خود قرار داده‌اند و ممکن است به این دلیل لعن شده‌اند که بر قبور پیامبرانشان مساجدی بنا کرده‌اند. برای روشن شدن مقصود از این روایت به بررسی دیدگاه قرآن درباره بنا کردن مسجد بر قبر اولیای الهی و سپس سیره مسلمانان در این باره خواهیم پرداخت:

ساخت مسجد بر قبور صالحان از نگاه قرآن

قرآن ساختن مسجد بر قبور اولیای الهی را تأیید کرده است. در جریان اصحاب کهف هنگامی پس از آنکه آنان در غار به حیات ابدی رفتند، مردم تصمیم گرفتند که بر قبر آنان بنایی بسازند تا یادبودی از آنها باشد: «إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»؛ هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند، پس [عده‌ای] گفتند: «بر روی آنها ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است.» [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: حتماً بر ایشان مسجدی بنا خواهیم کرد.

آیات مذکور بیانگر آن است که پس از آنکه اصحاب کهف بعد از زنده شدنشان از دنیا رفتند، بین دو گروه موحدان و کافران اختلاف شد که چه کاری انجام دهند. کافران گفتند، جلوی غار را با دیواری بیوشانید؛ در حالی که موحدان و مؤمنان گفتند مسجدی در این مکان بنا کنید که مردم در آنجا به عبادت بپردازند و همیشه یاد آنها زنده بماند و ردی بر منکران معاد باشد. مفسران مسلمان همگی این معنا را تأیید می‌کنند. حتی برخی از وهابیان نیز در تفسیر خود به این

۱. محمد بن اسماعیل الامیر صنعانی، مجموعه رسائل فی علم التوحید، رساله تطهیر الاعتقاد، وزارت الاعلام و الثقافة الیمنیة، دارالفکر، ص ۴۸.

۲. بخاری، الصحیح، دارالفکر، ج ۲، ص ۹۱ و ۱۰۶.

۳. برای مثال رک: محمد بن علی الشوکانی، شرح الصدور بتحریم رفع القبور، مجموعه رسائل فی علم التوحید، یمن: وزارة الاعلام و الثقافة، ص ۷۳-۷۵.

معنا معترفند.^۱ حال که قرآن ساختن مسجد بر قبر اصحاب کهف را توسط مؤمنان گزارش می‌دهد و این کار را تقبیح نمی‌کند، بیانگر آن است که چنین عملی جایز و حتی نیکو است.^۲

سیره صحابه

سیره صحابه و مسلمانان در طول تاریخ بر جواز ساختن بنا بر قبور پیامبران و صالحان بوده است. نمونه‌هایی از این سیره را در ادامه بیان خواهیم کرد:

۱. صحابه و تابعین پس از فتح شام قبر پیامبرانی مانند ابراهیم و فرزندانش و داود را، با اینکه همه این قبور دارای ساختمان و بنا بودند، تخریب نکردند. ابن تیمیه خود به این امر معترف است که چنین بناهایی در زمان فتوح که صحابه حضور داشتند، وجود داشته است. با این حال می‌گوید که کسی از صحابه به زیارت قبور ایشان نمی‌رفته است.^۳

۲. قبر پیامبر اکرم(ص) ابتدا در اتافی قرار داشته است و اگر بنای بر قبور حرام بود، باید صحابه از آن جلوگیری می‌کردند. چراکه فرقی بین آن نیست که بنایی بر قبر بسازند یا این که مرده را در بنایی دفن کنند. بعد از دفن رسول خدا(ص) نیز حجره تبدیل به ساختمان شد و خلیفه دوم اول کسی بود که دیوار مقابل قبر مطهر را بنا نمود و عایشه نیز بین قبرها و خانه‌اش دیواری بنا کرد و در کنار قبرها زندگی می‌کرد و در آنجا نماز می‌خواند. عبدالله بن زبیر نیز روی قبر بنایی ساخت و سپس دیوارها خراب شد، عمر بن عبدالعزیز ساختمان روی قبر مطهر را تجدید نمود و پس از آنکه در زمان خلافت ولید بن عبدالملک مسجد را توسعه دادند، اطراف قبر مطهر را دیوار کشیده و جداگانه آن را بنا کردند. در همه این مراحل مخالفتی از طرف هیچ یک از صحابه و تابعین گزارش نشده است و این نشان از آن دارد که صحابه به اجماع (اجماع سکوتی) با این عمل موافق بوده‌اند.^۴

با توجه به دو پاسخی که مطرح شد، می‌توان به این نتیجه رسید که مقصود از روایت «لعن الله اليهود و النصارى...» آن است که نباید قبور پیامبران و صالحان را قبله‌گاه قرار داد، نه اینکه ساختن ابنیه و مسجد بر آن حرام باشد.

SCO۲:۲۱:۰۲

دلیل ۳: حدیث ابو الهیاج

دلیل دیگری که وهابیان برای اثبات حرمت بنای بر قبور بدان تمسک می‌جویند، حدیث ابوالهیاج است. ابوالهیاج الاسدی نقل می‌کند که حضرت علی(ع) به او چنین گفته است: «ألا أبعثک علی ما بعثنی علیه رسول الله(ص)، أن لا تدع

۱. محمد بن علی الشوکانی، فتح القدیر، دمشق: دارابن کثیر و دارالکلم الطیب، ج ۲، ۳۲۹.

۲. در این باره رک: سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت، ترجمه علی اکبر فائزی، ص ۵۸۲-۵۸۳.

۳. ابن تیمیه، مجموع فتاوی ابن تیمیه، المکتب التعليمی السعودی بالمغرب، ج ۷، ص ۳۳۶-۳۳۷.

۴. برای نگاهی به سیر تاریخی ابنیه موجود بر قبر مطهر رسول خدا(ص) رک: سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت، ترجمه علی اکبر فائزی، ص ۵۴۲-۵۶۶.

تمثالاً الا طمسته و لا قبراً مشرفاً الا سويته»؛ آیا می‌خواهی تو را به سوی کاری برانگیزم که پیامبر خدا مرا بر آن برانگیخت؟ تصویری را ترک مکن مگر آنکه آن را محو کنی و قبر بلندی را ترک مکن مگر آنکه آن را مساوی زمین کنی.^۱

به جز اشکالات مربوط به سند این روایت که در کتب تفصیلی بدان پرداخته شده است،^۲ باید به دو مشکل اساسی در این روایت اشاره کرد:

۱. ابوالهیاج به جز این روایت هیچ حدیث دیگری در صحاح سته ندارد و گذشته از آن وی تنها کسی است که چنین روایتی را نقل کرده است. بنابراین این روایت شاذ است.^۳

۲. دلالت این روایت نیز در اثبات مدعای مذکور مخدوش است. برای توضیح بیشتر باید به دو عبارت مهم در این روایت بپردازیم: ۱. قبراً مشرفاً؛ ۲. الا سويته.

مشرفاً از ماده شرف به معنی علو و بلندی گرفته شده است. کسانی که از نژاد والایی برخوردارند نیز شریف گفته می‌شوند و به کوهان شتر نیز که از سایر اعضای بدنش ارتفاع بیشتری دارد، شرف گفته می‌شود.^۴ حال سؤال این است که منظور از «مشرفاً» در این روایت هر بلندی است یا بلندی خاصی شبیه بلندی کوهان شتر یا بلندی پشت ماهی است. در ادامه با بررسی مفهوم «سويته» خواهیم دید که مقصود معنای دوم است. فعل «سويته» از ماده تسویه گرفته شده که در لغت عرب دارای دو کاربرد است:

۱. برابری چیزی با چیزی دیگر در اندازه یا چگونگی. در این کاربرد «سوئی» دو مفعول دارد و مفعول دوم نیز باید با حرف جرّ «باء» همراه باشد؛ مانند «سوئی هذا بهذا»؛ این دو شیء را با هم یکسان کن.

۲. از بین بردن ناهمواری‌ها و زدودن کجی‌ها و پستی و بلندی‌ها از پیکره یک چیز. در این حالت فعل «سوئی» یک مفعولی است؛ مثلاً هرگاه نجار ناهمواری‌های چوبی را با تراشیدن از بین ببرد، گفته می‌شود: «سوئی الخشب».

اکنون که مفهوم هر دو لفظ روشن شد، باید گفت که حدیث درباره کیفیت خود قبر سخن می‌گوید؛ زیرا با یک مفعول به کار رفته است؛ نه در مقایسه آن با زمین. وگرنه لازم بود که بگوید: «الا سويته بالارض». به عبارت دیگر غرض آن بوده است که ابوالهیاج هر قبری را که در آن ناهمواری و بلندی و پستی وجود دارد، صاف کند و به صورت مسطح درآورد. در آن زمان سطح قبور هموار نبود و وسط آن مانند کوهان شتر ارتفاع داشت و یا به صورت پشت

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۱.

۲. در مورد راویان این روایت قدهایی از طرف علمای اهل سنت وارد شده است و به خصوص درباره شقیق بن سلمة اسدی کوفی که گفته شده است با امام علی(ع) خصومت داشت. رک: جعفر سبحانی، وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی، قم: موسسه تحقیقاتی امام صادق(ع)، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۳. رک: نجم الدین طیبی، روافد الايمان الى عقاید الاسلام، بیروت: دارالولاء، ص ۱۶۰.

۴. تاج العروس، ج ۲۳، ماده شرف.

ماهی بود. امام دستور داد که ابوالهیاج قبور را از این حالت درآورد.^۱ اتفاقاً ناقلان حدیث و شارحان آن حدیث را به نحوی که گفتیم تفسیر کرده‌اند.

۱. مسلم در صحیح خود این روایت را تحت عنوان «باب الأمر بتسویة القبر» یعنی «بابی که در آن روایت مربوط به صاف کردن قبر وارد شده است» آورده است و این حاکی از آن است که نویسنده از «مشرف» ضد مسطح و از «تسویه» تسطیح آن را فهمیده است.^۲

۲. روایت آغازین این باب در صحیح مسلم چنین است: فضالہ بن عبید با گروهی در سرزمین روم بود. یک نفر از یاران وی درگذشت و او به دفن وی پرداخت و قبر وی را مسطح کرد و گفت: از پیامبر (ص) شنیده‌ام که قبرها را مسطح و مساوی سازید.^۳

۳. نووی نیز در توضیح این حدیث چنین می‌گوید: «قبر نباید از سطح زمین بلندتر یا سطح آن مسنّم (مانند پشت ماهی) باشد.^۴

۴. قرطبی در تفسیر خود حدیث یاد شده را نقل کرده و می‌گوید: «از حدیث برمی‌آید که مسطح بودن سنت و مسنّم بودن بدعت است.^۵

۵. ابن حجر عسقلانی ضمن بیان استحباب مسطح بودن روی قبر، می‌نویسد: «مقصود از حدیث ابو الهیاج آن نیست که قبر با زمین از نظر سطح یکسان باشد؛ بلکه مقصود آن است که روی قبر صاف و مسطح باشد، هرچند خود قبر بلندتر از زمین باشد.^۶

چنانچه همه این موارد را نیز نادیده انگاریم، باز استدلال به این حدیث برای تخریب ابنیه قبور دو اشکال جدی دارد: اولاً برابری قبر با زمین برخلاف اتفاق آرای همه فقهای مسلمان است؛ زیرا همگی اتفاق دارند که قبر باید یک وجب از زمین بلندتر باشد.^۷

ثانیاً اگر تفسیر یاد شده را بپذیریم و بگوییم حدیث ناظر به لزوم برابری قبر با زمین است، باید قبر را تخریب کرد و آن را با زمین یکسان نمود، نه بنایی را که روی قبر ساخته شده است. اساساً حدیث ناظر به بنای روی قبر نبوده و محور سخن در آن خود قبر است، نه بنا و سایبان آن.

۱. سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت، ترجمه، علی اکبر فائزی، قم: مطبوعات دینی، ص ۵۲۲-۵۲۶؛ جعفر سبحانی، وهابیت، مبانی فکری و کارنامه

عملی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)، ص ۱۷۶-۱۷۸.

۲. مسلم، صحیح، بیروت: دارالفکر، ص ۶۱.

۳. همان.

۴. ابوزکریا یحیی بن شرف نووی، شرح صحیح مسلم، بیروت: دارالقلم، ج ۷، ص ۴۱.

۵. محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۸۰.

۶. ابن حجر عسقلانی، ارشاد الساری، ج ۲، ص ۴۶۸. به نقل از کتاب وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ص ۱۷۹.

۷. عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۴۲۰.

Score: ۲۵:۱۵

چکیده

۱. طبق نظر وهابیت ساختن بنا بر قبر و تعمیر و گچ‌کاری روی آن و ساختن گنبد و بارگاه بر آن حرام بوده و تخریب آن واجب است.
۲. ادله اثبات حرمت بنای بر قبور از دیدگاه وهابیون عبارتند از:
 - الف) اجماع مسلمانان.
 - ب) حدیث پیامبر اکرم (ص).
 - ج) روایت معروف به ابوالهیاج.
۳. سکوت علمای مسلمان بر سیره مسلمین مبنی بر ساختن بنا بر قبور، دلیل بر عدم حرمت آن است (اجماع سکوتی).
۴. مراد از «اتخاذ مسجد» در روایت «لعن الله اليهود و النصارى اتخذوا قبور انبيائهم مسجداً» می‌تواند به معنای قبله قرار دادن قبر یا ساختن مسجد بر قبور انبیاء باشد.
۵. بعضی از آیات قرآن و همچنین سیره صحابه دال بر این است که ساختن مسجد بر قبور پیامبران و صالحان جایز است.
۶. حدیث ابوالهیاج علاوه بر ضعف سند، دارای ضعف دلالت نیز بوده و جزو روایات شاذ محسوب می‌گردد.
۷. با توجه به معنای «شرف» و «تسویه» باید گفت که حدیث ابوالهیاج درباره کیفیت قبر سخن می‌گوید و کاری با مقایسه قبر با زمین ندارد.
۸. با فرض اینکه از تمام اشکالات قبلی صرف‌نظر کنیم، استدلال به این حدیث برای تخریب ابنیه قبور دارای دو اشکال اساسی است:
 - الف) برابری قبر با زمین بر خلاف اتفاق آرای همه فقهای مسلمان است.
 - ب) اساساً حدیث ناظر به بنای روی قبر نبوده و محور سخن خود قبر است، نه بنا و ساختمان روی آن.